

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

برگردان و پی نوشت از: حمید محوی

۰۸ مارچ ۲۰۱۵



امارات اسلامی (داعش) با بولدوزر آثار باستانی دوران نمرود را تخریب کرد



چند روز پس از انتشار ویدئویی که شکستن مجسمه های دوران پیشا اسلامی بی بدیل در شمال عراق را نشان می داد امارات اسلامی روز پنجشنبه تخریب آثار باستانی آشوری دوران نمرود را نیز، در شمال عراق، با بولدوزر و برمه برقی آغاز کرد. این گزارش توسط وزات جهان گردی تأیید شد. وزیر جهان گردی و آثار باستانی در صفحه فیس بوک خود اعلام کرد که: « امارات اسلامی با بولدوزر به شهرک تاریخی نمرود حمله کرده است» یکی از مقامات حفظ آثار باستانی نیز این خبر را تأیید کرد. کامیون هائی را برای ربودن برخی قطعات باستانی آماده کرده بودند. یکی از مقامات به شکل ناشناس اعلام کرد که تا کنون از وسعت تخریب های صورت گرفته بی اطلاع هستیم. نمرود شهری است که در ۱۲ قرن پیش از میلاد مسیح بنا شده و در ساحل رود دجله واقع شده است. جهاد طلبان بر این باور هستند که مجسمه ها و مقبره ها موجب گسترش بت پرستی می شود. این نظریه البته خیلی حاشیه ئی بوده

و از سوی مقامات مذهبی سنتی مردود اعلام شده است، اشیائی که در دوران پیامبر اسلام بت پرستی تلقی می شد، امروز به میراث فرهنگی تعلق دارد.

http://www.huffpostmaghreb.com/2015/03/06/ruines-nimroud-destructiondaech_n_6813666.html?utm_hp_ref=algeria

پی نوشت مترجم:



بی گمان همیشه در هر موردی که به امور اسلامی مرتبط می باشد، یک عده موافق و یک عده دیگر مخالف و یک عده دیگر تبصره های دیگری را نیز به موافقان و مخالفان اضافه می کنند. به همین علت نیز هست که در ادیان و در مورد حاضر، در دین اسلام فرقه های مختلفی به وجود آمده است. فرقه های مختلف را نیز می توانیم حاصل یکی از خصوصیات برجسته و در عین حال ناشناخته و یا بهتر است بگوئیم عنصر واپس زده خود کتاب آسمانی نزد مسلمانان بدانیم، زیرا سوره ها و آیت ها می توانند ضد و نقیض باشند (ناسخ و منسوخ باشند) و هر فردی می تواند برای منافع و سلیقه خودش قطعه ای را جدا کند و با تکیه به آن حرفش را به اثبات رساند. چهار تا آیت دورتر یک نفر دیگر قطعه دیگری را جدا می کند و به نتیجه دیگری می رسد.

امارات اسلامی یکی از نمایندگان فرقه و هابی بوده و بازگشت به منشأ اسلام و سنت پیامبر را تبلیغ می کند. چرا که پیامبر اسلام به بت شکنی شهرت خاصی دارد. گرچه اشیای باقی مانده از هزار سال پیش از اسلام دیگر دارای آن مفاهیمی نیست که در گذشته های بسیار دور برای مردم آن دوران داشته، با این وجود تعبیر دقیق قرآن (؟) و ضرورت به اجراء گذاشتن سنت پیامبر اسلام، عملاً می بینیم که به شکل غیر تاریخی (غیر علمی) به شکستن آثار باستانی انجامیده است.

در ایران خود ما نیز در آغاز انقلاب ۵۷ موارد مشابهی دیده شده است و گروه هائی می خواستند تخت جمشید را ویران کنند که با مداخله برخی مقامات جلو این فاجعه گرفته می شود.

با این وجود در پشت همین اعتقادات و همین اعمال ظاهراً مذهبی که در ذهنیت بشر امروز و جامعه بین الملل به عنوان بزهکاری و تخریب رایگان آثار باستانی تلقی می شود، کامیون هائی را می بینیم که برای ربودن آثار باستانی آماده شده اند و بی گمان خریدارانی در سر تا سر جهان گویا از پیش به مقاطعه کاران امارات اسلامی سفارش هائی داده اند و شاید هم که بخشی از بهای شیء مورد نظرشان را نیز از پیش پرداخت کرده باشند! با تمام تلاش هائی که گویا از سوی جامعه بین الملل برای مبارزه علیه تروریسم و امارات اسلامی در رسانه ها تبلیغ می شود، منابع خبری دیگری از تداوم ارسال کمک های نظامی از سوی ایالات متحده به همین امارات اسلامی خبر می دهند. امریکا همچنان با چتر برای داعش اسلحه پیاده می کند.

ربودن آثار باستانی موضوع تازه ای نیست، وقتی امریکا عراق را اشغال کرد، تمام آثار باستانی موجود در موزه های بغداد را با چندین هواپیماهای باربری غول پیکر تخلیه کرد و به امریکا منتقل نمود. بخشی هم طعمه راهزنان شد که به شکل مقاطعه کاری اشیای کاملاً مشخصی را برای خریداران کاملاً مشخصی در کوران هرج و مرج اولیه از موزه های عراق به سرقت بردند.

اروپائی ها وقتی امریکا، سرزمین جدید، سرزمین موعود را کشف کردند، با آثار فرهنگی بومیان امریکا رفتار مشابهی داشتند. غول صنعتی از دیدگاه تاریخی بسیار فقیر است، و احساس کمبود می کند. از سوی دیگر برای تسلط بر مناطقی که هدف گرفته است، به بیابان برهوت و شهرهای ارواح نیازمند است، پا به هر کجا که می گذارد باید تخریب کند («تخریب سازنده») و به جای آن فرهنگ امریکائی را مسلط سازد. در مورد تخریب آثار باستانی در مناطق نفوذی ایالات متحده، می توانیم بگوئیم که از سیاست تسلط جویانه این کشور منشأ می گیرد، به این معنا که از دیدگاه امپراتوری امریکا تاریخ اساساً با کشف امریکا شروع می شود، و تمام آثار گذشته باید به نفع فرهنگ امریکائی از بین برود.

تخریب آثار گذشته و سوزاندن کتابخانه ها همیشه در طول تاریخ یکی از سناریوهای دائمی در جنگ ها بوده است. پیروزمندان سعی می کردند علائم و نشانه های گذشته را از بین ببرند و علائم و نشانه های خودشان را جایگزین کنند. در جایی می خوانم که رضا شاه کبیر دائماً کاخ های دوران قاجار را تخریب می کرده است. و در مقابل اعتراض خانواده خودش، پاسخ داده بوده که بهتر است از بین برود تا مردم این ساختمان ها و کاخ ها را نبینند و افسوس دوران شکوه و جلال گذشته را نخورند. نه از روی اتفاق، ولی به دلیل خاصی این ملت بزرگ و متمدن همیشه عاشق و شیفته و مسحور رهبران بی سواد و بی شعور بوده اند.

تخریب آثار هنری و باستانی می تواند در اشکال متنوعی صورت گیرد. به عنوان مثال شاهنامه فردوسی. با وجود تمام تبلیغات پیرامون این اثر حماسی و اهمیتی که این کتاب برای فرهنگ و زبان فارسی دارد، می بینیم که این اثر به نوعی خاص مورد تخریب قرار گرفته است. و نه تنها به دلیل حجم فزینی کتاب که در ابعاد بزرگ برای «راحتی خوانندگان!» منتشر می شود (به همین گونه قرآن به زبان فارسی به قطر ۱۰ سانتی متر، عرض ۱۸ و طول ۲۴ سانتی متر با چهار کیلوگرم وزن، باز هم برای راحتی خوانندگان)، گاهی کتاب ها را نیز مثبت کاری می کنند و طول و عرض و قطر و وزن نجومی پیدا می کند... موضوع اصلی این است که انسان معاصر باید به نحوی خاص با آثار گذشته رابطه برقرار کند، و این رابطه نیز از طریق دستگاه های آموزشی امکان پذیر می گردد. حاکمیت ایدئولوژی اسلامی، فرهنگ و زبان و دین عرب در ایران طی ۱۴۰۰ سال به انضمام جمهوری اسلامی مطمئناً نمی توانست دستگاه های آموزشی را در خدمت چنین رابطه ای به کار ببرد. علاوه بر این طی دوران جهانی سازی و لیبرالیسم و اولترالیبرالیسم آنگلساکسون، حتی در کشورهای پیشرفته و خاصه در ایران کنونی که ما شاهد وحشی ترین نوع سرمایه داری هستیم، امر آموزش بیش از پیش به امری طبقاتی و خصوصی تبدیل شده است. البته، با این حساب که به صرف محدود ساختن رابطه با میراث فرهنگی (در گسترده ترین مفاهیم) به یک قشر از ما بهتران، نخبه، برگزیده هر چه هست به انحراف کشیده می شود. رابطه با دانش و آگاهی (بخوانیم میراث فرهنگی) در مقطع تاریخی مشخصی وقتی بر اساس رشد نیروهای مولد به شکل عادلانه و دموکراتیک به مفهوم واقعی کلمه، یعنی به مفهوم سوسیالیستی امکان پذیر گردد، می تواند به شکوفائی برسد و پاسخگوی نیازهای فرهنگی و اجتماعی عمومی افراد و جامعه باشد. به عبارت دیگر تخریب آثار باستانی توسط امارات اسلامی یکی از جلوه گاه های درشت نمائی شده (بخوانید کاریکاتوری) نظام طبقاتی و سرمایه داری جهانی است. به همین گونه

تروریسم نیز یکی از جلوه گاه های نظام طبقاتی خواهد بود. از دیدگاه «ما» ساخت و ساز جامعه طبقاتی شنیع ترین نوع تروریسم و تخریب بشریت است. برای درک روشن تر چگونگی تروریسم طبقاتی، مقاله لوسین سو را پیشنهاد می کنم :

لوسین سو : رشد آزاد فردی و حقوق بشر از دیدگاه مارکس

[کوتاه سخن برای آنهایی که دوست دارند موضوع به شکل مختصر و مفید گفته شود : موضوع تروریسم طبقاتی این است که انسان دیگر در رابطه با طبیعت به دنیا نمی آید و زندگی نمی کند، انسان در فرهنگ و تمدن به دنیا می آید و زندگی می کند، در واقع در رابطه با میراث فرهنگی است که به انسانیت انسانی امروز دست می یابد. وقتی امکان دسترسی به میراث فرهنگی را نداشته باشد به شکل ساده می توانیم بگوئیم که از انسانیت امروز باز می ماند. به همین علت نیز هست که ما می گوئیم «نظام سرمایه دار دشمن نوع بشر است» زیرا با انحصاری سازی و خصوصی سازی علم و دانش و غیره...بخش عظیمی از جامعه بشری را از بشریت محروم ساخته است. به همین علت نیز هست که ما نظام سرمایه داری را بهیمی می دانیم. از سوی دیگر به این نتیجه می رسیم بشریت محروم در مبارزه علیه این نظام بهیمی (تروریسم طبقاتی) است که به بشریت امروز و والاگرائی دست می یابد. در این صورت مبارزه علیه تروریسم یعنی مبارزه علیه نظام سرمایه داری و جامعه طبقاتی — در اشکال صحیح...



رقابت در بازار آزاد جهانی، امتیازات طبقاتی و ایدئولوژی حاکم در ابعاد روزمره می تواند به این شکل مسخره و سفیهانه جلوه کند که به عنوان مثال در فرانسه، دانشجویان برخی برگ های مهم کتاب های درسی کتابخانه دانشگاه را پاره می کنند تا هم شاگردان خود را از آن محروم کنند. طبقه ای که به عنوان طبقه حاکم تشکیل می شود در تمام ابعادش به همین شکل عمل می کند. طبقه حاکم در عین حال باید پولیس و دستگاه های حقوقی و قوانین عریض و طویل داشته باشد که هم از اموالشان دفاع کند و هم مانع آن بخش محروم جامعه شود که خیال شورش به ذهنشان خطور نکند. و در ابعاد گسترده تر و جهانی، همین طبقه حاکم است که خودش شورش به پا می کند، شهرها و کشورها را به ویرانی می کشاند و کنترل آن را هم خود همین طبقه به عهده می گیرد. زیرا یک روز باید دوباره ساخته شود و شرکت های تجاری نیز آماده اند تا یک بار دیگر منابع و ثروت های آنان را به تاراج ببرند.



مقالات مشابه در گاهنامه هنر و مبارزه

عراق : جهاد طلبان دولت اسلامی مجسمه های دوران پیش از اسلام را تخریب کردند

جهان اسلام متحد نظام سرمایه داری

گاهنامه هنر و مبارزه

AL HUFFINGTON POST

۶ مارچ ۲۰۱۵